



شماره ۴۴۲۱
صفحه ۲۴
تومان ۱۰۰۰۰

دوشنبه
۵ خرداد ۱۴۰۴
۲۸ ذی القعدة ۱۴۴۶
۲۶ می ۲۰۲۵

فرهنگستان

وقتی یک جشنواره همه ادعاهای فرمی اش را
با جایزه دادن به یک بیانیه سیاسی پس می گیرد

۵۰۴

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

«فیلم های من تلخه، چون جامعه تلخه، وقتی شیرینی نمی بینم چی بسازم؟» سعید روستایی وقتی این حرف ها را در نشست خبری فیلمش در جشنواره کن زد حتی بسیاری از قلم به مزدهای وابسته آنور آبی هم جدی اش نگرفتند و در عوض او را به خاطر پابندی اش به قواعد حاکم بر سینمای جریان اصلی و رسمی ایران تکفیر کردند. این دسته از نامتقدان - که در رسانه های وابسته ناتو و ایالات متحده قلم فروشی می کنند - در عوض تا جا داشت برای جعفر پناهی نقد مثبت نوشتند و با ستاره ها و ریویوهای کیلویی به استقبالش رفتند. نتیجه هم که کاملاً مشخص بود و فیلمساز غیرحکومتی و مستقل ما به آرزوی دیرینه اش، یعنی دریافت نخل طلای کن هم رسید تا کلسیون جوایزه جشنواره ای اش کامل شود. او اکنون در کنار «اربرت آلمن»، «آتری ژرژ کلوزو» و «آنتونیونی» به چهارمین کارگردانی تبدیل می شود که توانسته سه جایزه به اصطلاح معتبر خرس طلای برلین، نخل طلای کن و شیر طلای ونیز را به دست آورد. البته استفاده از عبارت «به دست آوردن» بسیار محترمانه است، چون پناهی در پناه هاله ای که سیاست دور او و زندگی شخصی اش حلقه زده توانسته جایزه اول هفتاد و هشتمین دوره کن را با خود به خانه اجدادی اش بیاورد و خبری از سینمای ناپ مورد علاقه غربی ها در یک تصادف ساده نیست. شاید پیرسید که مگر شما فیلم را تماشا کرده اید که در مورد اثر و کارگردانش حکم صادر می کنید و یک طرفه به قاضی می روید؟ اگر ساختار ذهن شما کمی پیچیده تر از حد معمول باشد قطع به یقین با کشف و شهود و اندکی حافظه قوی تاریخی می توانید متوجه شوید که پناهی و افرادی چون او پس از قضایای مربوط به سال ۱۳۸۸ حتی یک فیلم سینمایی هم نساخته اند تا بتوانند با آن به سینمای به اصطلاح دولتی و رسمی ما فخر بفروشند، اما در عوض فقط فاند و پروژه است که راه خودش را به دل سینماگران مین استریم و حاشیه ای داخل کشور باز می کند و این پیام را به آن ها می دهد که اگر می خواهید به چشم ببیاید و از جانب غربی ها تایید بگیرید حتماً مثل من فیلم بسازید.

ادامه در صفحه ۴

تبریک در میانهٔ هجمه به ایران

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

بعد از آشوبتیس شعر گفتن معنی ندارد. (تودور آدورنو)
آدورنو معتقد بود بعد از واقعه آشوبتیس و جنایت هایی که صورت گرفته دیگر شعر گفتن حتی برای این واقعه معنی ندارد و شعر نمی تواند درد و رنج این واقعه را توصیف کند. امروز بعد از یک سال و اندی از نسل کشی اسرائیلی ها و کشتار بی رحمانه بیش از ۲۰ هزار کودک و درحالی که همین امروز سازمان ملل می گوید ۱۴ هزار کودک به علت کمبود آب و غذا که صهیونیست ها مانع ورود آن هستند، در آستانه فوت شدن قرار دارند. در اکثر کشورهای دنیا نظاهراتی علیه اسرائیلی ها شکل گرفته است و رئیس سابق سازمان سیارسمآ می گوید امروز مسئله فلسطین مسئله کل دنیاست. در چنین وضعیتی آیا می شود از هنر یا واژه هایی مثل آزادی و سرکوب مجدد حرف زد؟ اصلاً چه واژگانی توان توصیف رنجی که امروز در جهان وجود دارد را دارا هستند؟ با چه کلماتی می توان رنج انسان های فلسطینی را بیان کرد؟ اگر به تعبیر آدورنو، شعر توان ارائه رنج را دارا نیست، امروز آیا سینما یا موسیقی قادر هستند؟ درواقع اگر بخواهیم از آدورنو الهام بگیریم، باید بگویم واقعیت این است که مسئله نسل کشی که در حال انجام است نیاز به گفتاری دارد که توان حمل کردن بار رنج را داشته باشد. این گفتار باید نشان دهد گاهی مواقع برخی واژه ها خودشان مانع از فهم درد و رنج می شوند. شاید یکی از مهم ترین واژه هایی که می توان به آن اشاره کرد، واژه همدردی است. درواقع همدردی خودش مانع از فهم درد می شود و به نوعی سانسور وضعیت فعلی است.

ادامه در صفحه ۵

پرونده ویژه «فرهنگستان»
برای سالروز دانشگاه آزاد را
در ۱۲ صفحه بخوانید

+ ۴۳ سالگی دانشگاه مردم

گفت وگویی تفصیلی «فرهنگستان» با دکتر طهرانچی به مناسبت چهل و سومین سال تأسیس دانشگاه آزاد

جامعه ثمرات تحول دانشگاه را درک خواهد کرد

۱۵۰۱۴

ورود میکرو بلاگرها به انتخابات هیئت رئیسه

گزارش «فرهنگستان»
از متن و حاشیهٔ
رقابت سیاسی
زیر پوست بهارستان

داده های رسمی نشان می دهد فقط ۳۲ درصد
از ۵ میلیون مترمکعب ظرفیت توزیع CNG استفاده می شود

سقوط آزاد صنعت CNG

۱۲

روایت «فرهنگستان» از طرح ساماندهی آسیب های اجتماعی

از زخم تا التیام؛ پایان یک شب، آغاز یک امید!

۳

